



## مقدمه

عربها به لرزش پای شتر، هنگام برخاستن از زمین و همچنین به صدای رعد که پشت سر هم و پیوسته باشد، رجز می‌گویند. در علم عروض، شعر رجز بر وزنهای شش، هشت و یا چهار بار مستفعلین است. شعرهای میدان جنگ؛ اضطراب، تقارن و شکستگی حروف دارد؛ به همین دلیل، عربها به این نوع از شعر، رجز گفته‌اند.<sup>۱</sup>

اعراب در میدانهای جنگ، رجز می‌خواندند تا با بر شمردن شجاعت و افتخارات خود و یا شرافت و افتخارات خانواده‌شان، مبارز و هم‌وردی در شأن و منزلت خود را به میدان بطلبند.

مسلمانان صدر اسلام بر همین اساس در میدانهای جنگ، شعری در

لويس مطوف، اسماعيليان، دوم، ۱۳۶۴، ص ۳۴۸؛ الرائد، جبران مسعود، آستان قدس رضوی، مشهد، پنجم، ۱۳۸۶، ص ۸۲۵ و لثت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۱۹۳۲.

۱. لسان العرب، ابن منظور، نشر ادب حوزه، چاپ اول، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۳۵۲ و ۳۴۲، المنجد، ←

عاشقان کربلا تقدیم کنیم تا از دعای خیرشان بهره‌مند بشویم.

وچیزهای حضرت عباس علیه السلام  
«السلام علی العباس بن امیرالمؤمنین،  
المواسی اخاه بنفسه»<sup>۱</sup> سلام بر عباس  
فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام که با جانفش  
برادرش را کمک کرد.»

مادر عباس بن علی بن  
ابیطالب علیه السلام، ام البنین، دختر حزام بن  
خالد بن ربیعۃ بن عامر بن کلاب بن  
ربیعۃ بن عامر بن صعصعة است.<sup>۲</sup>  
کنیه حضرت عباس علیه السلام ابوالفضل  
است. ایشان بزرگ‌ترین پسر حضرت  
ام البنین علیها السلام است.

آن جناب، روز عاشورا جوانی ۳۴  
ساله، بلندقد، رشید، چهارشانه و  
بسیار زیبا بود. وی به دلیل همین

قلب رجز می‌خواندند تا خودشان را  
معرفی و اعتقادات خود را در قالب  
آن بیان کنند. بر همین اساس در روز  
عاشورا برخی از یاران امام حسین علیه السلام  
در قالب ادبیات شعری رجز،  
اعتقادات، اندیشه، هدف و هویت  
خود را معرفی می‌کردند.

آنان در آن کوران مصیبت و بلا از  
چهار جانب، بلکه از شش جانب  
محاصره شده بودند: چهار طرف،  
دشمن سفاک، از بالای سر آفتاب  
فسوزان، از زمین ریگهای گرم و  
سوزان، و از درون، گرسنگی که شکم  
را به پشت چسبانیده بود و از همه  
بدتر تشنگی که کام را شکافته، جگر  
را می‌سوزاند و چشم را کم فروغ  
می‌ساخت. در آن شرایط این‌گونه  
اندیشیدن و سرودن، نشان از اعتقاد  
راسخ، عمیق، دقیق و قوی سراینده و  
خواننده آن دارد.

در این چند صفحه سعی کردیم تا  
گوشه‌ای از رجزهای نورانی ده تن از  
فرزندان امیرمؤمنان، علی علیه السلام را به

۱. المزار الکبیر، محمد ابن المشهدی، بی‌جا،

القیوم، چاپ اول، ۱۴۱۹، ص ۴۸۷.

۲. کتاب السرائر، محمد بن ادریس حلی،

مؤسسه‌النشر الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰،

ج ۱، ص ۶۵۶.

زیبایی بسیار، ملقب به قمر بنی هاشم بوده است.

امام حسین علیه السلام در صبح روز عاشورا، وقتی سپاهش را آرایش نظامی داد، پرچم لشکر را به دست قوی‌ترین و رشیدترین سربازش، یعنی حضرت ابوالفضل علیه السلام داد و او را جلوی سپاه جای داد. به همین دلیل، وی ملقب به علمدار شد. او بعد از ظهر عاشورا به امر سید الشهداء علیه السلام با مشک آب وارد میدان جنگ شد و خود را به شریعه فرات رساند و با مشک پر از آب به سوی خیمه حرکت کرد تا برای زنان و کودکان آبی آورده باشد. به همین دلیل، سقا لقب گرفت.<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام در کربلا در یکی از مأموریتها، حضرت عباس علیه السلام را با ۳۰ سواره نظام و ۲۰ پیاده نظام، با ۲۰ مشک آب به شط فرات فرستاد. نافع بن هلال در این مأموریت، پرچمدار بود و جلوی سپاه حرکت می‌کرد. هنگامی که به فرات رسیدند، عمرو بن حجاج، فرمانده سپاه عمر بن سعد برای نگرهبانی از فرات، جلو آمد و گفت: «کیستید؟ و چه می‌خواهید؟!»<sup>۱</sup>

نافع بن هلال، خود را معرفی کرد و گفت: «می‌خواهیم از آبی بیاشامیم که ما را منع کردید.»

عمرو بن حجاج، او را شناخت و گفت: «بیاشامید، گوارای وجودتان باد!»

نافع بن هلال گفت: «تا زمانی که مولایم حسین علیه السلام و اصحابش تشنه هستند، یک قطره نمی‌آشامم.» عمرو بن حجاج گفت: «ما را در اینجا گذاشتند تا نگذاریم شما به آب برسید.» و بعد به نیروهای تحت فرمانش، دستور حمله داد، و سربازانش به این گروه هجوم بردند.

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، دار احیاء التراث، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۴۰ و ۳۹؛ مقاتل الطالبین، ابی الفرج الاصفهانی، مؤسسه دارالکتاب، قم، چاپ سوم، بی‌تا، ص ۵۶ و منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات علمی، قم، دوم، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۶۲.

عقب‌زدن لشکر ابن سعد بودند که در محاصره لشکر ابن سعد افتادند. حضرت عباس علیه السلام حمله کرد و آنها را از محاصره بیرون آورد، و آنها را مجروح و خسته به میان اصحاب امام حسین علیه السلام بازگشتند.<sup>۲</sup>

حضرت ابوالفضل علیه السلام در روز عاشورا چندین بار به میدان جنگ رفت و بازگشت؛ از جمله اینکه پس از شهادت برادرانش (فرزندان امیرمؤمنان علیه السلام) به میدان جنگ رفت و این رجز را می‌خواند و می‌جنگید:

۱. أَقْسَمْتُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ  
وَبِالْحَبْرِ صَادِقاً وَ زَمَنٍ  
۲. وَ ذُو الْحَطِّيمِ وَ الْقَنَا الْمُحَرَّمِ  
لِيُخَفِّضَ بَيْنَ الْيَوْمِ وَ جِسْمِي بِالْأَيْدِمِ  
۳. أَمَّامَ ذِي الْفَضْلِ وَ ذِي التَّكْوِينِ  
ذَاقَ حُسَيْنٌ ذُو الْفَخَّارِ الْأَقْدَمِ<sup>۳</sup>

۲. تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۳۰ و دمع السجوم، ص ۱۴۶.

۳. الفتوح، احمد بن اعمش الکوفی، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۶، ج ۵ - ۶، ص ۱۲۵؛ ابصار العین فی انصار الحسین، محمد بن

نافع بن هلال به مشک‌داران گفت: «آب بردارید»، و آنها مشغول پر کردن مشکها شدند.

حضرت عباس علیه السلام با سواره نظامش، با لشکر عمرو بن حجاج وارد جنگ شد. وی آن قدر با آنها جنگید تا اینکه مشکهای آب، سالم به خیمه‌ها رسید.<sup>۱</sup>

یکی از وظایف حضرت ابوالفضل علیه السلام در روز عاشورا مانند همه شجاعان زمین کربلا، نجات افرادی بود که لشکر ابن سعد آنها را محاصره می‌کرد؛ برای نمونه، عمرو بن خالد ازدی اسدی صیداوی با غلامش به نام سعد، و جابر بن حارث سلمانی، و مجمع بن عبدالله عامری مشغول

۱. مقتل الحسین و مصرع اهل بیت، ابی مخنف، مؤسسة الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۴، ص ۹۸ و ۹۹؛ الاخبار الطوال، ابی حنیفه احمد بن داود الدینوری، شریف راضی، قم، ۱۴۱۲، ص ۲۵۵؛ دمع السجوم، ابوالحسن شمرانی، ترجمه نفس المهموم شیخ عباس قمی، کتابفروشی علمیه الاسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۱۱ و منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۴۲ و ۴۴۳.

ترجمه

می کردند و حضرت ابوالفضل علیه السلام باید  
تنهای تنها به آب می رسید.

۱. قسم به خداوندی که عزیزترین  
و عظیم ترین است، قسم به حجر،  
صداقت و زمزم.

سقای کربلا، با مشکی بر شانه و  
عَلَمی در دست و شمشیری در دست  
دیگر وارد میدان جنگ شد و به سوی  
فرات حرکت کرد. لشکر عمر بن  
سعد، منظور وی را فهمیدند و به  
صورت جمعی و گسترده به ایشان  
حمله کردند. حضرت عباس علیه السلام در  
این هنگام، این رجز را می خواند و  
می جنگید:

۲. قسم به صاحب حطیم، قسم به  
فنا، قسم به محرم؛ امروز تنم با خون  
خضاب می شود.  
۳. پیشاپیش کسی که صاحب  
فضیلت و کرامت است و آن فرد،  
حسین علیه السلام صاحب افتخارات و مقدم  
بر همه است.

۱. أَقَاتِلْ إِلَى يَوْمِ بَقْلَبٍ مِنْتَ دِي  
أَذْبُ عَنْ سَيْبِ النَّبِيِّ أَحْتَدِي  
۲. أَضْرِبُكُمْ بِالصَّارِمِ الْمُهْتَدِي  
حَتَّى تَجِدُوا عَنْ قِتَالِ سَيِّدِي  
۳. إِنِّي أَنَا النَّبَّاسُ ذُو التَّوَدِّ  
نَجِلُ عَلَى الطَّاهِرِ الْمُؤَدِّ

بعد از ظهر عاشورا، همه اصحاب  
امام حسین علیه السلام شهید شدند و عطش  
بر کودکان غالب شد. آن گاه آن  
حضرت به حضرت عباس علیه السلام فرمود:  
«مشک را بردارید و برای کودکان آبی  
بیاورید.» این در صورتی بود که چهار  
هزار نفر از شریعه فرات محافظت

ترجمه

۱. امروز با اطمینان کامل، جنگ  
سنگینی با شما می کنم، و در دفاع از  
فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله جانفشانی می کنم.

طاهر سماوی، مطبعة الحیدریة، نجف، چاپ اول،  
۱۳۴۱، ص ۳۰ و مقتل الحسین، ابی المؤید الموفق  
بن احمد المکی اخطب خوارزم، مکتبة المفید، قم،  
بی تا، ج ۲، ص ۳۰، همین رجز را با کمی تفاوت  
آورده است.

به یاد تشنگی امام حسین علیه السلام و اطفالش افتاد، آب را بر روی آب ریخت و از شط فرات بیرون آمد. سپس به سوی خیمه‌ها حرکت کرد تا آب را به خیمه برساند؛ ولی دشمن، مسیر را بسته بود. در آن هنگام، حضرت ابالفضل علیه السلام این رجز را می‌خواند و می‌جنگید و به پیش می‌رفت:

۱. يَا نَفْسُ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ هُونِي  
وَبَعْدَهُ لَا كُنْتُ أَنْ تَكُونِي  
۲. هَذَا الْحُسَيْنُ وَارِدُ الْمُنُونِ  
وَتَشْرِبِينَ بِأَرَادِ الْمُهَيِّنِ  
۳. هَيْبَاتِ مَا هَذَا فِعَالُ دِينِي  
وَلَا فِعَالُ صَادِقِ الْيَقِينِ<sup>۲</sup>

ترجمه

۱. ای نفس! زندگی پس از امام حسین علیه السلام چه معنایی دارد؟! بعد از او زنده نباشی که زندگی را ببینی.

۲. مقتل الحسين و مصرع اهل بیته، ص ۹۱، همین رجز را با کمی تفاوت، مقتل الحسين أو حدیث کربلا، عبدالرزاق الموسوی المقرم، منشورات مکتبه بصیرتی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۹۴، ص ۳۳۶ و بحارالانوار ج ۴۵، ص ۴۱ آورده‌اند.

۲. آن قدر با شمشیر هندی بر شما می‌زنم تا دست از جنگ با مولا و سرورم بردارید.

۳. من عباس، صاحب عشق و محبت اهل بیت هستم، فرزند امام علی طاهر و پاکیزه علیه السلام و تأیید شده خداوندم.

قندوزی حنفی<sup>۱</sup> نوشته است: آن حضرت، زمانی این رجز را می‌خواند که تیرهای فراوانی به بدنش اصابت کرده بود.

حضرت عباس علیه السلام با نگهبانهای شریعه فرات جنگید و ۸۰ نفر از آنها را کشت. وی زخم‌های زیادی برداشت و تیرهای زیادی بر بدنش اصابت کرد و خون از بدنش می‌چکید. او با این وضعیت وارد شریعه فرات شد، مشک را پر از آب کرد، کفی از آب برداشت و به لبان خشکیده‌اش نزدیک کرد؛ ولی چون

۱. ینایع الصوده، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، دار الاسوه للطباعة و النشر، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۹۰.

ترجمه

۱. زمانی که مرگ فرا گیر شده و از سر و کله آدم بالا می‌رود، من از مرگ فرار نمی‌کنم تا اینکه با مرگ روبرو شوم و آن را بپوشم.

۲. جانم به فدای جان پیامبر پاک صلی الله علیه و آله (یعنی امام حسین علیه السلام) باد که در خطر واقع شده است. من عباس هستم که پیمان سقائی بسته‌ام.

۳. در روزی که نیکی و زشتی با هم ملاقات می‌کنند و درگیر می‌شوند، من از سختی و بدها نمی‌ترسم و با آن روبرو می‌شوم.

ابو مخنف<sup>۲</sup> می‌نویسد: «وقتی حضرت عباس علیه السلام از شریعه فرات بیرون آمده لشکر ابن سعد، راه را بر

۲. این امام حسین علیه السلام است که در مشکلات افتاده است؛ تو می‌خواهی آب خنک و گوارا را بیاشامی؟!  
۳. این کار در آداب و فرهنگ من هرگز وجود ندارد. این عمل از فرد صادق حقیقی به دور است.

لشکر ابن سعد اطرافش را گرفتند و تیر بارانش کردند؛ به گونه‌ای که تیرهای بسیاری بر بدنش بود. حضرت، این رجز را می‌خواند و می‌جنگید تا آب را به خیمه‌ها برساند:

۱. لَا أَزْهَبُ الْمَوْتَ إِذَا الْمَوْتُ رَجَا حَتَّى أُوَارِيَ فِي الْمَصَالِيَتِ لَقَى  
۲. نَفْسِي لِنَفْسِ الْمُصْطَفَى الطُّهْرِ وَقَا  
إِنِّي أَنَا الْغَبَّاسُ أَغْدُو بِالسَّقَا  
۳. وَكَأَخَافُ الشَّرَّ يَوْمَ الْمُلْتَقَى<sup>۱</sup>

۱. مقتل الحسين أو حديث كربلاء، ص ۳۳۶ و ۳۳۷؛  
عوامل المعلوم، شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی،  
مدرسه المهدی علیه السلام قم، چاپ اول، ۱۴۰۷، ج ۱۷،  
ص ۲۷۳؛ مناقب آل ابی طالب، ابی جعفر محمد بن  
علی بن شهر آشوب السمری المازندرانی،  
ذوالقربی، بی‌جا، چاپ اول، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۱۱۷؛  
و همچنین بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰؛  
منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۶۲؛ دمع السجوم،

ص ۱۷۷ و ابصار الثمین فی انصار الحسین، ص ۳۰  
همین رجز را با کمی تفاوت آورده است.

۲. مقتل الحسین و مصرع اهل بیته، ص ۹۱. همین  
رجز را با کمی تفاوت، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۶۷  
آورده است.

## قرچه

۱. به خدا قسم! گرچه دست راستم را قطع کردید، من همیشه و در هر حال از دینم حمایت می‌کنم.

۲. و از امام صادق و برحق، و پسر پیامبر طاهر و امین علیهما السلام حمایت می‌کنم.

حضرت ابوالفضل علیه السلام با دست چپ می‌جنگید و به پیش می‌رفت؛ در حالی که دست راستش را نداشت و خون زیادی از ایشان رفته بود. در این هنگام، حکیم بن طائی با همدستی عبدالله بن شیبانی و نوفل الازرق از کمین بیرون آمد و ضربه‌ای را بر دست چپش زد و آن را قطع کرد. با وجود این، علمدار کربلا علیه السلام به سوی دشمن حمله می‌کرد تا راه را به سوی خیمه‌ها باز کند و آب را به خیمه

او بستند، وی بر لشکر ابن سعد حمله کرد و آنها از ترس فرار می‌کردند و آن بزرگوار در این زمان، این رجز را می‌خوانده است.

آن حضرت می‌جنگید و راهش را به سوی خیمه‌ها باز می‌کرد. دشمن از هر سوی برایش تیر می‌انداخت، بر بدنش تیرهای فراوانی بود؛ ولی همچنان می‌جنگید، تا اینکه زید بن ورقا با کمک حکیم بن طفیل و دیگران از کمین بیرون آمدند و ناگاه شمشیری بر دست راست وی زد که دست راستش قطع شد، حضرتش فوری شمشیر را با دست چپ گرفت، می‌جنگید و به سوی خیمه می‌رفت تا آب را به اطفال برساند؛ آن هنگام بود که این رجز را می‌خواند و می‌جنگید:

۱. وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُنِي سِوَا يَمِينِي  
إِنِّي أَحْمِي أَبْدَأَ عَنْ دِينِي

۲. وَعَنْ إِمَامِ صَادِقِ الْيَقِينِ  
نَجَلِي النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ

ص ۱۱۷، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰، همین رجز را با کمی تفاوت، ابصار العین فی انصار الحسین، ص ۳۱؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۶۸ و نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام، ابی اسحاق اسفراینی، المنار، تونس، بی تا، ص ۴۲ آورده‌اند.

۱. مقتل الحسین و مصرع اهل بینه، ص ۳۳۷؛ عوالم الطلوع، ج ۱۷، ص ۲۸۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴،



این رجز و این استقامت در میدان جنگ، به این آیه شریفه اشاره دارد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾<sup>۲</sup> «آنهايي که گفتند: خداوند

يکتا پروردگار ما است و [بر ايمان خود] پايدار ماندند، فرشتگان بر آنها نازل مي شوند و مژده مي دهند که ديگر هيچ ترس و اندوهي نداشته باشيد، شما را به همان بهشتي بشارت مي دهيم که خداوند وعده داده شده بوديد.»

عمر بن سعد در اين هنگام فریاد زد و گفت: «مشک را هدف قرار دهيد، اگر آب به خيمه برسد و حسين، آب بياشامد، يک نفر از شما زنده نخواهيد ماند. آن گاه فردی مشک را با تير زد و آبش بر زمين ريخت. سپس تيري ديگر بر سينه ابالفصل علیه السلام نشست که رمق را از

برساند. آن جناب در اين زمان، اين رجز را می خواند:

۱. يَا نَفْسُ لَا تَخْشَى مِنَ الْكُفَّارِ  
وَأُبَشِّرِي بِرَحْمَةِ الْجَبَّارِ  
۲. مَعَ النَّبِيِّ السَّيِّدِ الْمُخْتَارِ  
قَدْ قَطَعُوا بَيْنَهُمْ سَارِي  
۳. فَأَصْلِهِمْ يَا رَبِّ حَرَّ النَّارِ  
ترجمه

۱. ای نفس! از کفار ترس، تو را به رحمت خداوند جبار بشارت می دهیم.

۲. و در بهشت، به هم جواری با پیامبر صلی الله علیه و آله که آقا و برگزیده است، بشارت می دهیم. اینها با سرکشی و طغیان [در دین]، دست چپم را قطع کرده اند.

۳. خداوند! اینها را به آتش سوزان جهنم داخل کن.

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰ و ۴۱؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۷؛ عوالم الملوم، ج ۱۷، ص ۲۸۴؛ دمع السجوم، ص ۱۷۷. همین رجز را با کمی تفاوت، مقتل الحسين و مصرع اهل بيته، ص ۱۲ و ۱۳؛ ینایع المودة، ج ۳، ص ۶۸ و نور العين فی مشهد الحسين علیه السلام، ص ۴۲ آورده اند.

علی بن ابی طالب علیه السلام ام البنین است.<sup>۳</sup>

او در کربلا ۲۵ ساله بود و فرزندی نداشت.<sup>۴</sup> علمای بزرگی مانند: شیخ مفید،<sup>۵</sup> طبرسی،<sup>۶</sup> ابن اثیر،<sup>۷</sup> ابن طقطقی<sup>۸</sup> و ابن حبان<sup>۹</sup> نوشته‌اند که وی در کربلا بود و آنجا به شهادت رسید.

۳. السرائر، ج ۱، ص ۶۵۶ و مقاتل الطالبین، ص ۵۴.

۴. اعلام الوری، امین الاسلام ابی علی الفضل بن حسن طبرسی، مکتبه الملیة الاسلامیة، تهران، ص ۲۰۳؛ مقاتل الطالبین، ص ۵۴ و بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۸.

۵. الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۴ و ج ۲، ص ۱۲۵.

۶. اعلام الوری، ص ۲۰۳.

۷. الکامل، ابن اثیر، دار صادر، بیروت ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۹۲.

۸. الاصلی فی انساب الطالبین، صفی الدین محمد بن تاج الدین علی مصروف به ابن الطقطقی الحسینی، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸، ص ۵۸.

۹. کتاب الثقات، محمد بن احمد بن حاتم بن حبان التیمی البستی، وزارة المعارف، هند، چاپ اول، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۰۹.

حضرت گرفت. لشکر ابن سعد، آن حضرت را محاصره کردند و هر کسی ضربه‌ای می‌زد. در این بین یکی عمود آهنین بر سر آن جناب زد و ایشان از اسب افتاد و صدا زد: «یا ابا عبدالله علیک منی السلام». امام حسین علیه السلام خود را به ایشان رساند، سرش را بر دامن گرفت، گریه کرد و فرمود: «الآن کرم شکست و چاره و تدبیرم گسسته شد».<sup>۱</sup>

عبدالله بن علی ابی طالب علیه السلام

«السَّلَامُ عَلَی عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مُبْلَى الْبَلَاءِ وَالْمُنَادَى بِالْوَلَاءِ فِي عَرَصَةِ كَرْبَلَاءِ الْمَضْرُوبِ مُقْبِلًا وَ مُدْبِرًا»  
سلام بر عبدالله بن امیرالمؤمنین که مورد ابتلاء قرار گرفت و کسی که در عرصه کربلا، منادی ولایت بود و از ناحیه جلوی بدن و پشتش مضروب [و مجروح] گشت.<sup>۲</sup> مادر عبدالله بن

۱. مقتل الحسین و مصرع اهل بیت، ص ۹۱ و ۹۳ و منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۶۴.

۲. المزار الکبیر، ص ۲۸۸ و بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۶.

حضرت عباس علیه السلام روز عاشورا به برادرش عبدالله فرمود: «به میدان جنگ برو تا رزمت را ببینم.»<sup>۱</sup> او به میدان جنگ رفت و این رجز را می‌خواند:

۱. آتَا اِبْنَ ذِي النُّجْدَةِ وَالْاَفْضَالَ  
ذَاكَ عَلٰى اَلْخَيْرِ دُوَالْفَمَّالِ  
۲. سَيِّفٌ رَسُوْلُ اللهِ ذُو النُّكَالِ  
فِي كُلِّ قَوْمٍ ظَاهِرُ الْاَهْوَالِ<sup>۲</sup>

ترجمه

۱. من پسر فردی دلیر و بخشنده هستم، و آن فرد، امام علی علیه السلام دارای بهترین نیکیها است.

۲. او شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله است که انتقام می‌گیرد؛ و هیبتش بر تمام اقوام آشکار شده است.

وی جنگ سنگینی کرد و عده‌ای را از پیش روی امام حسین علیه السلام برداشت تا اینکه لشکر ابن سعد او را احاطه کردند، و با او می‌جنگیدند، در این زمان هانی بن ثبت حضرمی او را به شهادت رساند.<sup>۳</sup>

عثمان بن علی بن ابی طالب علیه السلام

«السلام علی عثمان بن امیر المؤمنین.»<sup>۴</sup>

عثمان پسر حضرت علی علیه السلام و ام‌البنین علیها السلام است.<sup>۵</sup> وقتی وی متولد شد، پدرش فرمود: «من او را به اسم برادرم عثمان بن مظعون، عثمان

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۸.

۲. عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۲۸۱؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۶؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۸ و وسیلة الدارین فی ابصار الحسین، سید ابراهیم موسوی زنجانی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸، ص ۲۵۷.  
همین رجز را با کمی تفاوت، ابصار العین فی انصار الحسین، ص ۳۴؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۲، ص ۲۹؛ دمع السجوم، ص ۱۷۲ و منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۶۰ آورده‌اند.

۳. عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۲۸۱ و منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۷۲.

۴. المزار الکبیر، ص ۴۸۹؛ مصباح الزائر، السید علی بن موسی بن طاووس، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۱۷، ص ۲۳۹ و بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۸.

۵. کتاب السرائر، ج ۱، ص ۶۵۶.

۲. وَأَبْنِ عَمِّ لِلنَّبِيِّ الطَّاهِرِ  
أَخِي هُسَيْنِ خَيْرَةَ الْأَخْيَارِ  
۳. وَسَيِّدِ الْكَيِّسَارِ وَالْأَصَاغِرِ  
بِنْتِ الرَّسُولِ وَالْوَصِيِّ النَّاصِرِ<sup>۳</sup>  
ترجمه

۱. من عثمان، دارای افتخارات  
هستم، بزرگ من علی علیه السلام دارای  
کارهای فراوان افتخارآمیزی است.  
۲. و پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله است؛  
برادرم حسین علیه السلام بهترین بهترینها  
است.

۳. او آقا و سرور بزرگ و کوچک  
عالم، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از وصی  
و یورش است.

این رجز ؛ ۴ این روایتهای  
پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد:

۱. «أَنَا خَيْرُ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ وَ  
فَاطِمَةُ ابْنَتِي سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ عَلِيٌّ

۳. عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۲۸۰ و ۲۸۱ و بحار  
الاتوار، ج ۴۵، ص ۳۷ و ۳۸.

همین رجز را با کمی تفاوت، ابصار المین فی  
انصار الحسین، ص ۳۵؛ الفتوح، ج ۵ و ۶، ص ۱۲۹؛  
مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۶ و مقتل  
الحسین، خوارزمی، ج ۲، ص ۲۹ آورده‌اند.

نامیدم.» عثمان بن مظعون یکی از  
صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

او ۲۱ ساله بود که همراه برادرش  
امام حسین علیه السلام در کربلا حاضر شد.<sup>۱</sup>

علمای بزرگی نوشته‌اند: «عثمان  
بن علی و ام البنین، با برادرانش در  
کربلا حاضر بود و به شهادت رسید.»<sup>۲</sup>  
او روز عاشورا به میدان جنگ  
رفت؛ در حالی که این رجز را  
می‌خواند:

۱. إِنِّي أَنَا عُثْمَانُ ذُو الْمَقَابِرِ  
شَيْخِي عَلِيٌّ ذُو النِّفَالِ الطَّاهِرِ

۱. عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۲۸۱؛ مقاتل الطالبین،  
ص ۵۵ و بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۷.

۲. الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۴ و ج ۲، ص ۱۲۵؛ مروج  
الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۷۱؛ المقصد الفرید،  
احمد بن محمد بن عبدربه اندلسی، مکتبه المصریه،  
بیروت و صیدا، چاپ دوم، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۲۵؛  
المنتظم، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد  
بن جوزی، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ دوم،  
۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۶۰؛ السوافی بالفویات، صلاح  
الدین خلیل بن ابیک الصفدی، دار احیاء التراث  
الریی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۲۶۴  
و الاصلی فی انساب الطالبین، ص ۵۸.

وی جنگ نمایانی کرد تا اینکه خولی بن یزید اصبحی، تیری به پهلویش زد که او را از اسب بر زمین انداخت، و فردی از بنی ابان، وی را به شهادت رساند و سر مبارکش را برید.<sup>۳</sup>

جعفر بن علی بن ابی طالب علیه السلام  
 «السَّلَامُ عَلَيَّ جَعْفَرِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.»<sup>۴</sup>  
 جعفر، پسر حضرت علی علیه السلام و ام البنین علیها السلام بوده است.<sup>۵</sup> امیر مؤمنان علیه السلام به سبب علاقه اش به برادرش جعفر طیار، نام این فرزندش را جعفر گذاشته است.

علامه مجلسی،<sup>۶</sup> طبرسی<sup>۷</sup> و ابو الفرج اصفهانی،<sup>۸</sup> سن جعفر را در عاشورا ۱۹ سال نوشته اند؛ اما بعید

وَبَنُوهُ الْأَوْصِيَاءُ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ وَأَهْلُ بَيْتِي خَيْرُ أَهْلِ بَيْتَاتِ النَّبِيِّينَ وَابْنَائِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛<sup>۱</sup> من بهترین رسولان و انبیا هستم. [دخترم فاطمه بهترین زنان بهشت،] و علی و فرزندانش - که وصی من هستند - بهترین اوصیا، و اهل بیت من، بهترین اهل بیت انبیا و دو فرزندم (حسن و حسین علیه السلام) سرور جوانان بهشت هستند.

۲. «يَا عَلِيُّ أَنْتَ زَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَخَلِيفَةُ خَيْرِ الْمُرْسَلِينَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْحُجَّةُ بِنَدِي عَلَيَّ النَّاسِ أَجْمَعِينَ؛<sup>۲</sup> یا علی! تو شوهر سرور زنان دو عالم، و جانشین بهترین پیامبران هستی و ای علی تو مولای مؤمنین و بعد از من، حجت خداوند [بر همه مردمی].»

۳. عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۲۸۱؛ دمع السجوم،

ص ۱۷۲ و منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۶۱.

۴. المزار الكبير، ص ۴۸۹ و بحار الانوار، ج ۴۵،

ص ۳۶.

۵. کتاب السرائر، ج ۱، ص ۶۵۶.

۶. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۸.

۷. اعلام الوری، ص ۲۰۳.

۸. مقاتل الطالبین، ص ۵۴.

۱. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ابوصادق سلیم بن

قیس هلالی عامری کوفی، بی جا، بی تا، ص ۲۳۶.

۲. کنز الفوائد، ابن الفتح محمد بن علی الکرآجکی،

مکتبة المصطفوی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۱، ص ۱۸۵

و الیقین فی أمة امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب،

علی بن موسی بن طاووس الحسین، مؤسسه دار

الکتاب، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳، ص ۲۳۷.

هستم که بهترین و بخشنده‌ترین مردم است.

۲. شرافت و افتخار عمویم جعفر طیار و دایی‌ام (خاندان مادری‌ام یعنی کلایه، قبیله بنی کلاب) برایم بس است، من از حسین علیه السلام این جوانمرد با فضیلت دفاع می‌کنم.

این رجز به این روایت اشاره دارد:  
 «قال سلمان و ابوذر و مقداد: ان رجلاً  
 فاخر علي بن ابي طالب، فقال النبي  
 صلوات الله عليه: فاخر العرب فانت  
 اكرمهم ابن عم و اكرمهم نفساً و اكرمهم  
 زوجة و اكرمهم ولداً و اكرمهم اخاً و  
 اكرمهم عمّاً و اعظمهم جليلاً و اكثرهم  
 علماً و اقدمهم سلماً، و اشجعهم قلباً و  
 اسخاهم كفاً، و افضل امّتي فضلاً؛ سلمان

و ابوذر و مقداد گفتند: مردی بر حضرت علی علیه السلام فخر کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: [یا علی!] تو فخر عرب هستی؛ کریم‌ترین عربها از نظر پسر عمویت (پیامبر صلوات الله علیه)،

۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۸.

است که این سن دقیق محاسبه شده باشد. در هر صورت علمای بزرگی نوشته‌اند که وی همراه برادرش امام حسین علیه السلام در زمین کربلا بود و به شهادت رسید.<sup>۱</sup>

جعفر در روز عاشورا بعد از شهادت برادرش عثمان، در میدان جنگ این رجز را می‌خواند:

۱. اِنِّي اَنَا جَعْفَرُ ذُو الْمَعَالِي  
 اِبْنُ عَلِيٍّ الْخَيْرِ ذُو النُّوَالِ  
 ۲. حَسْبِي بِعَمِّي شَرَفًا وَ خَالِي  
 اَحْسَى حُسَيْنًا ذِي النَّدَا الْفِضَالِ<sup>۲</sup>  
 ترجمه:

۱. من جعفر، دارای [شرافت و] بزرگواری هستم، فرزند امام علی علیه السلام

۱. الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۴ و ج ۲، ص ۱۲۵؛  
 الكامل، ج ۴، ص ۹۲؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۴۳؛  
 کتاب الثقات، ج ۲، ص ۳۰۹؛ الاصلی ذی انساب  
 الطالبین، ص ۵۸ و مقاتل الطالبین، ص ۵۴.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۸ و عوالم العلوم،  
 ج ۱۷، ص ۲۸۱. همین رجز را با کمی تفاوت  
 منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۶۰؛ مقتل الحسین،  
 خوارزمی، ج ۲، ص ۲۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴،  
 ص ۱۱۶ و دمع السجوم، ص ۱۷۲ آورده‌اند.

ابوبکر بن علی بن ابی طالب علیه السلام  
 «السلام علیک یا ابوبکر بن علی بن  
 ابی طالب و رحمة الله و برکاته»<sup>۳</sup>

مادر ابوبکر بن علی بن ابی  
 طالب علیه السلام لیلی یا ام لیلی دختر مسعود  
 بن خالد بن مالک بن ربیع بن مسلم  
 بن جندل بن نهشل بن دارم بن مالک  
 بن حنظلة بن زید مناة بن تمیم است.<sup>۴</sup>  
 علما در نام وی، اختلاف نظر  
 دارند. بعضی نام او را عبدالله<sup>۵</sup> و  
 بعضی محمد اصغر<sup>۶</sup> نوشته‌اند. در

کریم‌ترین آنان از جهت خودت، و  
 کریم‌ترین عربها از نظر همسر  
 (فاطمه علیها السلام) و کریم‌ترین عربها از نظر  
 فرزند و کریم‌ترین عربها از نظر برادر،  
 و کریم‌ترین آنها از نظر عمو، و  
 بزرگ‌ترین عربها از جهت حلم [و  
 صبر و بردباری]، و بیش‌ترین عربها به  
 جهت اعلم بودن، و مقدم‌ترین آنها در  
 اسلام آوردن، و شجاع‌ترین آنان از  
 نظر قلب، و بخشنده‌ترین عربها در  
 بخشش مال، و با فضیلت‌ترین فرد در  
 امت من هستی.»

۳. مصباح الزائر، ص ۲۳۹.

۴. مقاتل الطالبین، ص ۵۶؛ ابصار الحسین فی  
 انصار الحسین، ص ۳۶؛ مقتل الحسین، خوارزمی،  
 ج ۲، ص ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۶؛ الفتوح،  
 ج ۵ و ج ۶، ص ۱۲۸؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۶۱  
 و مقتل الحسین بن علی بن ابی طالب، ص ۳۸.

۵. ابصار الحسین فی انصار الحسین، ص ۳۶.  
 ذریعة النجاة، محمد رفیع بن قهرمان گرمارودی  
 تبریزی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول،  
 ۱۴۲۲، ص ۲۱۷ و الفتوح، ج ۵ و ۶، ص ۱۲۸.

۶. الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۴؛ اعلام الوری، ص ۲۰۳  
 و ترجمة الامام الحسین، ابن عساکر، مجمع احیاء  
 الثقافة الاسلامیه، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴، ص ۳۳۳  
 و ۳۳۴.

جعفر سخت مشغول جنگیدن بود  
 که هانی بن ثابت حضرمی تیری به  
 سویس انداخت که بر چشمش  
 نشست و او را از اسب به زمین  
 انداخت.<sup>۱</sup> سپس هانی بن ثابت بر وی  
 حمله کرد و او را شهید کرد.<sup>۲</sup>

۱. عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۲۸۱ و منتهی الآمال،  
 ج ۱، ص ۴۶۰. نوشته‌اند که تیر بر شقیقه‌اش نشست  
 و او را از اسب به زمین انداخت.  
 ۲. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۶۰.

می‌کند. ابوبکر بن علی علیه السلام نخستین نفر از فرزندان امیرمؤمنان علیه السلام بود که در روز عاشورا وارد میدان شد<sup>۱</sup> و این رجز را می‌خواند و می‌جنگید:

۱. شَنِخِي عَلِيًّا ذُو الْقَعَارِ السَّاطِوِي  
مِنْ هَاشِمِ الصَّدِّقِ الْكَرِيمِ الْمُفَضَّلِ  
۲. هَذَا حُسَيْنٌ بِنُ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ  
عِزَّةٌ نَحَامِي بِالْحِسَامِ الْمُفَضَّلِ

#### ترجمه

۱. پدرم علی علیه السلام است که دارای افتخارات فراوانی است. ما از خاندان

واقع، نام ایشان عیدالله و کنیه‌اش ابوبکر است.<sup>۱</sup>

همچنین در نام مادر ایشان بین علما اختلاف نظر است. بعضی مادرشان را کنیز می‌دانند؛<sup>۲</sup> در صورتی که مادر محمد اصغر بن علی علیه السلام که در کربلا شهید شد، کنیز بوده است.

بعضی نام مادرش را امه خوله دختر جعفر بن قیس حنفیه نوشته‌اند؛<sup>۳</sup>

در صورتی که ایشان مادر محمد بن حنفیه یعنی محمد اکبر بن علی ابی طالب علیه السلام است. بعضی نام مادر وی را لیلی دختر مسعود ثقفیه

نوشته‌اند.<sup>۴</sup> علت این اشتباه در نام لیلی

لیلی و نام پدرش مسعود است که تا اینجا با مادر جناب ابوبکر بن علی علیه السلام مشترک است؛ ولی باقی افراد در سلسله نسب این دو بانو فرق

۵. الفتوح، ج ۵ - ۶؛ ص ۱۲۸ و بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۶.

۶. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۶؛ عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۲۸۰؛ وسیلة الدارين فی انصار الحسين،

ص ۲۵۵ و لواعج الأشجان فی مقتل الحسين، سید محسن امین، المكتبة بصیرتی، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۷۷. همین رجز را با کمی تفاوت، نظم الدرر

السمطين، جمال الدين محمد بن يوسف بن حسن بن محمد زرندي حنفي، مكتبة الامام امير المؤمنين،

قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۰۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۶؛ الفتوح، ج ۵ - ۶، ص ۱۲۸ و

ابصار الحسين فی انصار الجسدین، ص ۳۶، آورده‌اند.

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۶.

۲. ترجمه الامام الحسين، ص ۳۳۳ و ۳۳۴؛ ذریعة النجاة، ص ۲۱۷.

۳. الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۵.

۴. همان، ص ۱۲۵.



عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام  
 نام وی عمر اکبر یا عمر الاطراف  
 بن علی بن ابی طالب علیه السلام است.  
 مادرش صهباء دختر ربیعة بن بجیر بن  
 عبد بن علقمة بن حارث بن عتبة بن  
 سعد بن زهیر بن جشم بن بکر بن  
 حبیب بن عمرو بن عنم بن تغلب بن  
 وائل است.<sup>۳</sup>

صهباء در جنگ یمامه اسیر شده  
 بود که حضرت علی علیه السلام وی را خرید<sup>۴</sup>  
 و با او ازدواج کرد. خداوند به آنها دو  
 فرزند به نامهای عمر و رقیه داد که  
 دوقلو بودند.<sup>۵</sup>

۳. طبقات الکبری، ابن سعد، دار صادر، بیروت،  
 ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۱۷ و عمدة الطالب فی انساب  
 آل ابی طالب، ابن عنبه، مطبعة الحیدریه، نجف،  
 چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۳۰۵.

۴. ناسخ التواریخ، میرزا محمد تقی سپهر (لسان  
 الملك)، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۵۱، ج ۲،  
 ص ۳۳۴ و مزارف و مزارف، سید مصطفی  
 حسینی دشتی، اسماعیلیان، قم، چاپ اول، ۱۳۶۹،  
 ص ۵۶ و ۵۷.

۵. الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۴ اعلام الوری، ص ۲۰۳  
 و ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۳۴.

هاشم، خاندان صداقت، بزرگواری و  
 فضیلت هستیم.

۲. ابن حسین علیه السلام فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله،  
 فرستاده خداوند است. از او با شمشیر  
 آبداده و برآن حمایت می‌کنیم.

این رجز، انسان را به یاد این  
 روایت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌اندازد: «رَسُولُ  
 اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَخَذَ بِيَدِ حَسَنِ وَ حُسَيْنٍ فَقَالَ: مَنْ  
 أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّيْئِمَّا وَ آبَاهُمَا وَ أُمَّهُمَا كَانَ مَعِي  
 فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛<sup>۱</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله  
 دست امام حسن و امام حسین علیه السلام را  
 گرفت و فرمود: کسی که مرا، و این  
 دو نفر را، و پدر و مادر این دو نفر را  
 دوست داشته باشد در روز قیامت در  
 درجه من خواهد بود.»

ابوبکر بن علی علیه السلام در میان لشکر  
 کفر، مشغول جنگیدن بود که زجر بن  
 بدر نخعی به وی حمله کرد و او را  
 به شهادت رساند.<sup>۲</sup>

۱. نظم الدرر السمطين، ص ۲۰۹.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۶ و منتهی الآمال،  
 ج ۱، ص ۴۶۱.

حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام بوده است.<sup>۲</sup>

عمر بعد از شهادت برادرش  
عمر بن علی علیه السلام این رجز را  
می خواند و می جنگید:

۱. أَضْرِبُكُمْ وَ لَأُزِيَّ فِيكُمْ رُجْرِي  
ذَاكَ الشَّيْءِ بِإِلْتِئَابِي مَنْ كَفَّرَ  
۲. يَا رُجْرِي يَا رُجْرِي تَسْدَانِ مِنْ عَمْرِ  
لَتَأْتِكَ الْيَوْمَ تَبْوَةٌ مِنْ سُقْرِ  
۳. شَرُّ مَكَانٍ فِي سِي حَرِيْقِي وَ سُسْفَرِ  
لِأَتَاكَ الْجَاهِدُ يَا شَرُّ الْبَشَرِ

ترجمه

۱. شما را [با شمشیر] می زنم؛ ولی  
رُجْر (رُجْر بن بدر نخعی؛ قاتل ابوبکر

حضرت علی علیه السلام دو پسر به نام  
عمر داشته اند: یکی عمر اکبر که  
کنیه اش ابوالقاسم بود و با خواهرش  
رقیه دوقلو بوده است و نام مادر اینها  
صهباء است. دیگری عمر اصغر است  
که نام مادرش ام حبیبه دختر عباد بن  
ربیع بن یحیی بن العبد بن علقه  
است.<sup>۱</sup> بعضی بین این دو برادر خلط  
کرده و نوشته اند عمر بن علی علیه السلام در  
کربلا نبوده است؛ در صورتی که عمر  
اکبر در کربلا حاضر بود و به شهادت  
رسیده است؛ ولی عمر اصغر در کربلا  
نبوده است.

مردم به عمر اکبر، عمر الاطراف  
می گفتند و در مقابل ایشان به عمر بن  
امام سجاد علیه السلام عمر الاشراف می گفتند؛  
چون عمر اکبر، افتخارش به حضرت  
علی علیه السلام بوده است؛ ولی عمر بن  
سجاد علیه السلام افتخارش به حضرت

۲. عمدة الطالب، ص ۳۰۵.  
۳. الفتوح، ج ۵ یا ۶، ص ۱۲۸ و مقتل الحسین،  
خوارزمی، ج ۲، ص ۲۹. همین رجز را علمای  
بزرگی با کمی تفاوت آوردند که بعضی از آنها  
عبارت اند از: بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۷؛ عوالم  
العلوم، ج ۱۷، ص ۲۸۰؛ لواعج الاشجان، ص ۱۷۷؛  
وسيلة الدارين فی انصار الحسين، ص ۲۹۰؛ مناقب  
آل ابي طالب، ج ۴، ص ۱۱۶ و مقام زخار و  
صمصام بتار، حاج فرهاد میرزا (متمدن الدولة)،  
کتابفروشی علمیه، تهران، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۴۴۰ و  
۴۴۱.

۱. ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۳۴؛ عمدة الطالب،  
ص ۳۶۱ و انساب الطالبین، ص ۵۶ و ۵۷.

عمر بن علی علیه السلام با تمام توان می جنگید. لشکر ابن سعد، کم کم او را احاطه کردند. هر کسی از هر طرف ضربه ای می زد تا اینکه وی را از اسب انداختند و به شهادت رساندند.

قاسم بن علی بن ابی طالب علیه السلام

نام مادر وی را نیافته ام. او همراه برادرش امام حسین علیه السلام در کربلا بود و در روز عاشورا به میدان جنگ رفت و با خواندن این رجز می جنگید:

۱. يَا عَصْبَةَ جَارَتِ عَلِيٍّ نَبِيَّهَا  
وَكُدْرَتِ مِنْ عَيْشِهَا مَا قَدْ نَقَى  
۲. فِي كُلِّ يَوْمٍ تَقْتُلُونَ سَيِّدًا  
مِنْ أَهْلِهِ ظُلْمًا وَ ذُنُوبًا مِنْ قَفِيٍّ<sup>۲</sup>

ترجمه

۱. ای گروهی که بر پیامبر خودتان علیه السلام ظلم و ستم کردید و روزگار پاک خودتان را تیره ساخته اید.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۶ و نگاهی نو به جریان عاشورا، زیر نظر دکتر سید علی رضا واسمی، مؤسسه بوستان کتاب، قم، چاپ ششم، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸.

بن علی علیه السلام را در بین شما نمی بینم؛ زُجْر آن فرد کافر و شقیّ بر پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۲. ای زُجْر! ای زُجْر! بدان که عمر آمده است و امروز تو را به جهنم می فرستد.

۳. چون تو بدترین انسان هستی که علیه امام حسین علیه السلام شمشیر کشیده ای؛ به همین دلیل، بدترین مکان جهنم با آتش برافروخته برای تو است.

عمر بن علی علیه السلام در این نبرد، قاتل برادرش را با ضربه شمشیری به جهنم فرستاد. این رجز، به ویژه بیت آخر آن به این آیه شریفه اشاره دارد: ﴿وَجَعَلُوا بِيهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾<sup>۱</sup>

«با اینکه می دانند و علم و یقین دارند، از روی ستمکاری و برتری جویی واقعیت را انکار می کنند، نگاه کن عاقبت کار افراد فاسد چگونه است.»

صورتی که به حکم کتاب الهی تان، اخراج آنها بر شما حرام شده بود؛ آیا به بعضی از [احکام] کتاب الهی ایمان دارید و به بعضی از آن کافر می‌شوید؟! جزای کسی از شما که چنین کند چیست؟! آیا جز ذلت و خواری در دنیا و سخت‌ترین عذاب در آخرت است؟ خداوند از کردار شما غافل نیست.»

قاسم رضی الله عنه با تمام توان از حریم اهل بیت علیهم السلام دفاع می‌کرد تا اینکه در میان دشمنان افتاد و به شهادت رسید.<sup>۲</sup>

عون بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه  
مادر وی اسماء دختر عمیس بن سعد ابن الحارث بن تمیم بن کعب بن مالک بن قحافة بن عامر بن ربیعة بن غانم بن معاویة بن زید الخثعمیه است.<sup>۳</sup>

۲. همه روزه بهترین فرد از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌کشید و سرش را از قفا می‌برید.

این رجز به این آیه شریفه اشاره می‌کند: ﴿لَئِمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَقَطَّاهِرُونَ عَلَىٰ نِيهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْقُدُورِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ فَذَاهِبْهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾؛<sup>۱</sup> «شما [هنوز بر همان خصملت زشت] گذشتگان خودتان هستید که خون یکدیگر را می‌ریختید و گروهی از خودتان را از شهر و دیارشان بیرون می‌کردید و در گناه و ستم به ضعیفان، یکدیگر را یاری می‌کردید و آنها را اسیر می‌کردید و از آنها فدیة می‌گرفتید؛ در

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۶.

۳. وسیلة الدارين فی انصار الحسين، ص ۲۶۱؛

ناسخ التواریخ فی احوالات سید الشهداء، ج ۲، ص ۳۳۹ و معالی السبطین فی احوال الامامین

محمد اوسط بن علی بن ابی طالب علیه السلام  
 ابی طالب علیه السلام  
 «السلام علی محمد بن امیر  
 المؤمنین»<sup>۳</sup>

مادر او امامه دختر ابی العاص بن  
 الربیع بن عبدالغری بن عبدالشمس بن  
 عبد مناف است.<sup>۴</sup>  
 پدر امامه، ابی العاص و مادرش  
 زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله است.

در واقع امامه نوه دخترری  
 پیامبر صلی الله علیه و آله و خواهر زاده حضرت  
 زهرا علیها السلام است که حضرت  
 امیرمؤمنان علیه السلام به سفارش حضرت  
 فاطمه علیها السلام با ایشان ازدواج کردند.<sup>۵</sup>

حضرت علی علیه السلام سه پسر به نام  
 محمد داشته اند. ۱. محمد اکبر یعنی

۳. المزار الکبیر، ص ۴۸۹، و بحار الانوار، ج ۴۵،  
 ص ۶۷.

۴. وسیلة الدارین فی انصار الحسین، ص ۲۶۲ و  
 ۲۶۳؛ کشف القمه فی مرفقة الائمة، ج ۲، ص ۶۷ و  
 ۶۸ و معالم السبطین فی احوال الأمامین الحسن و  
 الحسین، ج ۲، ص ۲۳۴.  
 ۵. منتظم، ج ۵، ص ۶۹.

عون علیه السلام همراه برادرش امام  
 حسین علیه السلام در کربلا بود و در روز  
 عاشورا به میدان جنگ رفت و  
 رجزش این بود:

۱. أَقَاتِلُ الْقَوْمَ بِقَابِ مَهْنَدٍ  
 أَدْبُءُ عَنْ سِبْطِ النَّبِيِّ أَخْمَدٍ  
 ۲. أَضْرِبُكُمْ بِالصَّارِمِ الْمَهْنَدِ  
 حَتَّى تَجِدُوا عَنْ قِتَالِ سَيِّدِي<sup>۱</sup>

ترجمه

۱. امروز با اطمینان کامل، با این  
 گروه می جنگم و از فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله  
 دفاع می کنم.

۲. با شمشیری هندی شما را  
 می زنم تا اینکه از جنگ با مولا و  
 سرورم دست بردارید.

عون علیه السلام آن قدر از برادرش امام  
 حسین علیه السلام دفاع کرد تا اینکه به  
 شهادت رسید.<sup>۲</sup>

الحسن و الحسین، محمد مهدی حایری مازندرانی،  
 بی تا، و بی جا، ص ۲۶۲ و ۲۶۳.

۱. وسیلة الدارین فی انصار الحسین، ص ۲۶۱.  
 ۲. معالی السبطین فی احوال السبطین الحسن و  
 الحسین، ص ۲۶۳.

۲. این امام حسین علیه السلام پسر پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ و من با شمشیر بر آن از او دفاع می‌کنم.

همین رجز را ابوبکر بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام خواند. در آن دوران، معمول بود که یک رجز را چند نفر از یک خانواده می‌خواندند و یا یک شعار را چندین نفر از یک لشکر تکرار می‌کردند.

بیت اول این رجز، به جواب نامه حضرت علی علیه السلام به معاویه اشاره می‌کند. معاویه فخر خود را برای حضرت علی علیه السلام نوشته بود و حضرت علی علیه السلام در جوابش چنین نوشت:

۱. مُحَمَّدُ النَّبِيِّ أَحْسَى وَصَاهِدِي وَحَمْرَةُ الشُّهَدَاءِ هَذَا عَمِّي
۲. وَجَعَلْتُ الْأَنْبِيَّ يُضْحِكِي وَيُنْسِي وَيَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ ابْنُ أُمِّي
۳. وَبَنَاتُ مُحَمَّدٍ سَكَنِي وَعُرْسِي شَوْبُ لَحْمِي سَابِدِي وَأَخِي
۴. وَسِبْطُ أَحْمَدَ وَأَدَايَ مِنْهَا

محمد حنفیه که نام مادرش خوله دختر جعفر بن قیس الحنفیه است؛ ۲. محمد اصغر که مادرش کنیز بود؛ ۳. محمد اوسط که مادرش امامه دختر ابی‌العاص و زینب بنت نبی صلی الله علیه و آله بوده است.<sup>۱</sup>

محمد اوسط علیه السلام در روز عاشورا به میدان جنگ رفت. او این رجز را می‌خواند و می‌جنگید:

۱. شَيْخِي عَلِيٌّ ذُو الْقَعَارِ الْأَطْوَلِ مِنْ هَاشِمِ الصُّدُقِ الْكَرِيمِ الْمُضَلِّ
  ۲. هَذَا حُسَيْنٌ بِنُ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ عِنْدَهُ نَحَامِي بِالْحِسَامِ الْمُضَلِّ
- ترجمه

۱. پدرم حضرت علی علیه السلام دارای افتخارات فراوانی است. من از خاندان هاشم، خاندان صداقت، بزرگواری و فضیلت هستم.

۱. کشف‌الغمسه، ج ۲، ص ۶۶ و ۶۸ و الکامل فی‌التاریخ، ج ۴، ص ۹۲.

۲. وسیله‌الدارین فی انصار الحسین، ص ۲۶۲ و ۲۶۳؛ نگاهی نو به جریان عاشورا، ص ۱۳۵.

محمد اصغر علیه السلام بن علی بن ابی طالب علیه السلام

مادر او کنیز بود.<sup>۳</sup>

محمد اصغر علیه السلام در روز عاشورا به میدان جنگ رفت و همان رجز را خواند که حضرت ابوبکر بن علی و حضرت محمد اوسط بن علی علیه السلام نیز خوانده بودند و آن را ذکر کردیم.

محمد اصغر، از امام حسین علیه السلام دفاع کرد تا اینکه یک نفر از قبیله تمیم از شاخه بنی ابان و یا فرد پدیگری او را به شهادت رساند.<sup>۴</sup>

فَمَنْ مِنْكُمْ لَهُ سَنَمٌ كَسَنِي<sup>۱</sup>

ترجمه

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله برادرم و پدر خانمم است و حمزه سید الشهداء، عموی من است.

۲. جعفر طیار که شبانه روز با ملائک در بهشت پرواز می کند برادر من است.

۳. دختر پیامبر صلی الله علیه و آله در منزل من، ساکن و همسر من است که گوشتش با گوشت و خون من آمیخته است.

۴. فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله فرزندان من هستند؛ کدام یک از شما این افتخارات مرا دارید؟

محمد اوسط علیه السلام روز عاشورا آن قدر از امام حسین علیه السلام دفاع کرد تا اینکه بر اثر زخمهای فراوان از اسب افتاد. لشکر ابن سعد او را احاطه کردند و به شهادت رساندند.<sup>۲</sup>

۳. الکامل، ج ۴، ص ۹۲؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۹؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۹۳ و ذریعة النجاة، تهران، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۲، ص ۲۳۰.

۴. الکامل، ج ۴، ص ۹۲؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۹۳؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۹؛ ذریعة النجاة، ص ۲۲۰، دمع السجوم، ص ۱۷۳، و لسواعج الأشجان، ص ۱۷۷.

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۹.  
۲. المنتظم، ج ۵، ص ۶۹؛ وسیلة الدارین فی انصار الحسین، ص ۲۶۳ و ترجمة الامام الحسین، ص ۳۳۳ و ۳۳۴.